

سازمان عفو بین الملل و ریاست جمهوری افغانستان:

طالبان در کندز دست به کشتار جمعی، تجاوز گروهی و چپاول دارایی عامه زده اند

فاجعه قندز و ضرورت تغییرات

اساسی در مناسبات سیاسی

مردمی ساختن مسوولین ولایات و توانمند نمودن محلات از مجاری قانون، از اولویتهای ملی کشور می باشد؛ موردی که شهید مسعود به آن معتقد بود و بنده نیز قبل از برگذاری لویه جرگه قانون اساسی به خاطر اصرار زیاد، با آقای کرزی درگیر شدم. احمد ولی مسعود نوشته است: آقای کرزی با سوء استفاده از حضور جامعه جهانی، نیروهای طالبانی را با تفکر قبیلوی و ساخت و ساز قومی، در جهت بقای قدرت خود حفظ و تقویت کرد و با این ترفند و با کمک شرکای قدرت، داعیه، برحق و عدالت خواهانه جهاد و مقاومت را خاموش ساخت.

اکنون اگر تلاش حکومت موجود ادامه همان سیاستهای متعفن قرون وسطایی با توصل به فریبکاری، زور و بربریت طالبانی و آنهم در این عصر دمکراسی، اطلاعات، حق طلبی و هویت یابی باشد، افغانستان قطعاً به لبه سقوط رها می گردد و پارچه پارچه خواهد شد. حکومت موجود قطعاً باید از توهم و خیال پردازی موهومی که تا امروز جان هزاران انسان این سرزمین را به کام مرگ فرستاده است، دست بردار شود.

صحیح



صحنه ۶

سقوط وردج و بهارک بدخشان به چنگ طالبان

تظاهرات گسترده در بدخشان و تخار بر ضد طالبان

تصرف کرده اند. دولت محمد خاور، ولسوال وردج بدخشان از تصرف این ولسوالی به دست طالبان خبر می دهد. آقای خاور صبح روز جمعه به رسانه ها گفت که طالبان شام روز پنجشنبه این ولسوالی را زیر کنترل خود درآوردند. به گفته خاور، بیش از یک هزار جنگجوی ایغور، چچینی، ازبکستانی، پاکستانی و تاجکستانی به شمول شورشیان داخلی بالای وردج یورش آورده و کمربند دفاعی دولت را شکستند. در این حال، سنت الله تیمور، سخن گوی والی تخار نیز از حملات دوباره طالبان بر ولسوالی خواجه غار این ولایت خبر می دهد. آقای تیمور می گوید که طالبان آماده گی حمله یی گسترده به ولسوالی خواجه غار را دارند و هم اکنون در حال انتقال تجهیزاتشان از دشت ارچی به مرز این ولسوالی هستند. تیمور افزود که در این حمله طالبان با مقاومت شدید نیروهای امنیتی و به ویژه فرماندهان جهادی روبه رو شده اند. این در حالی است که مسوولان محلی روز



شهرنندان دو شهر فیض آباد و تالقان در حمایت از نیروهای امنیتی کشور تظاهرات کردند و بر ضد طالبان شعار دادند. گفته می شود که گروه طالبان پس از تسخیر مرکز ولسوالی وردج دست به آزار و اذیت مردم این ولسوالی زده اند و به مراکز دولتی هجوم برده اند. همچنین گزارش های رسیده از بدخشان حاکی از آن است که طالبان ولسوالی بهارک این ولایت را نیز

معترضان روز پنجشنبه در کابل:

طالب جنایت می کند، ارگ حمایت می کند!



طالبان شدند و از مقامات حکومت وحدت ملی خواستند که در برابر این گروه تروریستی انعطاف پذیر و مدارا گر نباشند.

پس از حمله طالبان بر ولایت قندوز و کشتار غیرنظامیان در این ولایت، صدها تن از فعالین مدنی و شهرنندان کابل، صبح روز پنجشنبه در یک گردهمایی اعتراض آمیز در کابل، مقامات دولتی به ویژه برخی از چهره ها در ارگ را متهم به حمایت از طالبان کردند. این معترضان گماشتن افراد ضعیف و هوادار طالبان در ادارات محلی را نشانه یی از همسویی شماری از افراد ستون پنجمی در ارگ با طالبان عنوان کرده و از مسوولان حکومت وحدت ملی خواهان برکناری این افراد از ادارات مهم دولتی شدند. معترضان با شعار «طالب جنایت می کند، ارگ حمایت می کند»؛ خواهان مقابله جدی با گروه تروریستی

گذشته گفته بودند که پس از ۱۳ ساعت نبرد، موفق شده اند این ولسوالی را از تصرف طالبان خارج کنند. نجیب فرخاری، یکی از فرماندهان جنگ در خواجه غار گفته بود که به طالبان تلفات سنگینی وارد شده و نیروهای امنیتی افراد این گروه را تا ولسوالی دشت ارچی کندز دنبال کرده اند.

این گروه از آغاز ماه جاری حملات هجومی شان را ابتدا از کندز آغاز کرده و پس از تصرف شهر کندز به سمت برخی ولسوالی های بغلان و تخار در پیشروی شدند، با این حال با مقاومت نیروهای امنیتی مواجه شده و ساحات زیر تصرف شان را در کندز و برخی ولایات دیگر از دست دادند.

گزارش ها از از ولسوالی درزاب ولایت شمالی جوزجان نیز می رساند که نبرد سختی میان طالبان و نیروهای امنیتی از چند روز بدین سو جریان دارد. یک مقام محلی در تماسی با روزنامه ماندگار از وضعیت امنیتی این ولسوالی ابراز نگرانی کرد. او گفت که جنگ و هجوم طالبان خواب را از چشمان مان پرانده است. این مقام محلی گفت که تحت محاصره طالبان قرار داریم، نه دولت و نه هم رسانه ها صدای مان را نمی شنوند.

آنان بر داکتر عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی نیز تاختند. در شعارهایی که معترضان حمل می کردند، نوشته شده بود: «قصر سپیدار، کی می شی بیدار!» پس از تصرف شهر قندوز توسط طالبان که سه روز را در بر گرفت؛ شب پنجشنبه دولت افغانستان در هماهنگی با نیروهای بین المللی عملیات گسترده یی را برای بازپس گیری این شهر به راه انداختند.

نیروهای امنیتی کشور توانستند تا صبح روز، نقاط مهم این شهر را از وجود طالبان پاکسازی کنند و تلفات سنگینی را به گروه طالبان وارد نمایند. با این حال، درگیری های پراکنده هنوز در اطراف شهر و در ولسوالی های این ولایت با طالبان وجود دارد. ژنرال مرادعلی مراد که رهبری عملیات را در ولایت قندوز به عهده دارد گفته است که پس از شهر قندوز نیروهای امنیتی به سراغ طالبان به ولسوالی های این ولایت خواهند رفت و این ولایت را از وجود تروریستان پاکسازی خواهند کرد.

در برگ ها



آن کس که می خندد، خبر شوم را نشنیده است!

انسان بودن چه گونه چیزی است؟



از افراط گرایی دینی تا میانه روی مذهبی

چهارمین نشست بین المللی «گفت و گوهای امنیتی هرات» برگزار شد



احمد عمران

دستور شورای امنیت انجام نمی‌شود و نیروها از حالت آماده‌باش بیرون می‌شوند. آقای غنی اما این‌گونه سخنان را نیز بی‌اساس خواند و عملاً خلاف آنچه که از زبان رییس امنیت ملی او در پارلمان گفته شده بود، جنگ کندز را نتیجه حضور نیروهای خارجی (چیچنی، ازبکستانی، پاکستانی، چینی و عربی) در کشور عنوان کرد.

از حال و هوای نشست خبری آقای غنی به گونه روشن می‌شد فهمید که او حرفی برای گفتن ندارد و حتا نخواست که به عوامل اصلی سقوط کندز که بیشتر از همه آن‌ها را می‌شناسد، اشاره کند.

مسئله کندز چیزی نیست که بتوان آن را مخفی کرد. رازهای کندز از پرده بیرون افتاده و عملاً نتیجه بی‌کفایتی در رده‌های مختلف قدرت در کشور است. این‌جا بحث بر سر نیروهای امنیتی که با فداکاری در برابر دشمنان ایستاده‌گی می‌کنند نیست، مسلماً این نیروها خود قربانی وضعیتی‌اند که حلقاتی در قدرت آن را مدیریت می‌کنند.

اگر واقعاً «مدیریت وضعیت» چیزی است که آقای غنی به آن می‌بالد، باید نگران آینده کشور بود؛ چون مدیریت وضعیت می‌تواند به سقوط و برپادی یک شهر منتهی شود.

آقای غنی به‌جای این‌که در نشست خبری خود از مردم افغانستان پوزش می‌خواست (کاری را که شجاعانه رییس امنیت ملی در مجلس نماینده‌گان انجام داد) و عده‌بی از بلندپایه‌گان قدرت را خلع و طیفه می‌کرد، با قاطعیت تمام از مردم خواست که در امور امنیتی دخالت نکنند. این در حالی‌ست که به گفته بسیاری از آگاهان مسایل نظامی، غفلت‌های عمدی و غیرعمدی در وضعیت کندز که از سوی مسوولان رده‌بالای امنیتی اعمال شده، تراژیدی این شهر را رقم زده است.

وقتی سخنان آقای غنی را در نشست خبری با آن‌ها هاه خنده‌هایش دنبال می‌کردم، به یاد این سخن عبرت‌آموز برتولت برشت افتادم که گفته است «آن‌کس که می‌خندد، هنوز خبر شوم را نشنیده است!»

یگانه مشکلی هم که در این مورد برجسته شد، اقدام‌های غیرمسوولانه رسانه‌ها در قبال مسایل کندز بود که به گفته مسوولان بدون درنظرداشت مصالح و منافع ملی کشور، فضای رعب و وحشت را در جامعه به‌وجود آوردند.

آقای غنی در برابر پرسش‌هایی که از او شد، از همان ترندهای معمول و آشنا استفاده کرد که همواره در چنین لحظاتی به کارش می‌آیند. سرانجام از کل نشست خبری آقای غنی و همکاری‌اش مشخص نشد که حالا وضعیت در کندز چه‌گونه است؛ پیشروی نیروها تا کجا بوده؛ عوامل و انگیزه‌های اصلی سقوط یک شهر به‌دست عده‌بی تفنگ‌دار غیرمسوول چه بوده؛ و سرانجام چرا والی‌بی که ایشان بر این ولایت گماشته بودند، تاجیکستان را به مقصد بریتانیا، کشوری که تابعیت آن را دارد، ترک گفته است! آقای غنی سروصداهای نماینده‌گان مردم در شورای ملی و جامعه مدنی مبنی بر این‌که عده‌بی در حوادث کندز مسوول شناخته می‌شوند و گویا ستون پنجم در داخل ارگ و شورای امنیت حضور دارد، با کمال مباهات رد کرد و گفت که به هیچ صورت نمی‌تواند بر اساس شایعات و آوازه‌ها عمل کند و کسانی که از ستون پنجم سخن می‌گویند، بیایند و اسناد و مدارک خود را در اختیار نهادهای اطلاعاتی کشور قرار دهند.

این سخنان در حالی گفته می‌شود که یک روز پیش از این، مجلس نماینده‌گان مسوولان امنیتی کشور را به این شورا برای ارائه توضیحات در مورد وضعیت کندز فرا خواند و در پایان آن، برخی نماینده‌گان توضیحات مسوولان امنیتی را ناکافی، تکراری و ماست‌مالی وضعیت عنوان کردند. در این نشست که به خواست رحمت‌الله نبیل رییس عمومی امنیت کشور سری اعلام شده بود، حرف‌هایی گفته شده است که به باور برخی نماینده‌گان پرده از رازهای سقوط شهر کندز برمی‌دارد. گویا در این نشست مجلس نماینده‌گان، آقای نبیل به اعضای مجلس گفته است که او اطلاعات دقیق در مورد حمله به این شهر داشته و به همین دلیل عملیات گسترده‌بی قرار بوده که راه‌اندازی شود، اما این عملیات به

برگردم را نشنیده است! کندز می‌خندد،

شهر کندز پس از سه روز که در تصرف طالبان قرار داشت، سرانجام در روز پنجشنبه با اعزام نیروهای تازه‌نفس به این ولایت از اختیار طالبان بیرون ساخته شد. در شام همین روز، ارگ ریاست جمهوری با برگزاری نشست خبری فرمایشی تلاش کرد که وقایع و حوادث کندز را به گونه دیگری بازگو و مسایل را به شکلی که می‌خواهد، ماست‌مالی کند. در این نشست خبری، رییس جمهوری و مسوولان امنیتی کشور همراه با رییس ارگان‌های محلی حضور داشتند. سخنرانی رییس جمهور غنی و همراهانش در این نشست خبری، بسیار تماشایی و قابل تأمل بود.

آقای غنی با چهره بشاش و خندان در حالی که در برخی موارد صدای خنده او تمام فضا را پر می‌کرد، در این نشست خبری ظاهر شد؛ مثل این‌که آب از آب تکان نخورده و حوادث کندز یک نمایش تلویزیونی برای سرگرمی مردم بوده است. به یاد گفته معروف ژان بودریار فیلسوف پست‌مدرن در مورد جنگ خلیج افتادم که آن را نمایش تلویزیونی خوانده بود و با تسمخر گفته بود که چنین جنگی در واقعیت اتفاق نیفتاده است.

آقای غنی در حالی در نشست خبری‌اش خنده هاه‌ها سر می‌داد که حداقل ده‌ها تن در جنگ‌های کندز کشته، صدها تن مجروح و هزاران تن آواره شده‌اند و به عده‌بی تجاوز صورت گرفته است. آقای غنی در این نشست بدون آن‌که به مشکلات و آسیب‌شناسی وضعیت بپردازد، از اقدام‌های خود و همکاران نزدیکش در شورای امنیت کشور در رابطه با فجایع کندز دفاع کرد. او یک بار دیگر به همان عبارت معروفش «اوضاع کندز تحت مدیریت قرار دارد»، متوسل شد و گفت که جنگ کندز چیزی نبوده است که باعث نگرانی او باشد.

مسوولان امنیتی نیز که به نوبه خود در این نشست خبری صحبت کردند، بدون آن‌که به جوانب مختلف جنگ و آنچه که در کندز انجام شده اشاره داشته باشند، با لکنت زبان و جمله‌های فاقد معنا و از هم گسیخته، فقط از موفقیت‌ها و ابتکار عمل خود سخن گفتند.

سخن ماندگار پارادوکس ریاست جمهوری در برابر تروریستان

اعلامیه ارگ و اعلامیه سازمان جهانی حقوق بشر نشان می‌دهد که جنایات جنگی گروه طالبان در قندوز بیشتر از آن چیزی است که تصور می‌شد.

قطع کردن آب و نان بر کودکان و زنان و مردان در کندز نشان می‌دهد که طالبان هیچ ارزشی به انسان و انسانیت قایل نیستند و بویی از اسلام نبرده‌اند. تجاوز بر زنان و کشتن آن‌ها و نیز جنایات‌های هدفمند و ترتیب فهرستی از افراد برای کشته شدن توسط طالبان، نشان می‌دهد که اعمال این گروه جنایات سازمان‌یافته تاریخی بوده است و ثابت می‌کند که طالب به هیچ گروه و سازمانی رحم ندارد. اما در اعلامیه ارگ ریاست‌جمهوری آمده است که «بررسی مقدماتی از شهر کندز نشان می‌دهد که «طالبان و همکاران تروریست‌شان» بر علاوه این‌که رعب و ترس را در میان شهریان کندز ایجاد کردند، به کشتار غیرقضایی و خودسرانه افراد ملکی و نظامی و شهریان کندز و همچنان شکنجه، آزار و اذیت آن‌ها دست زده‌اند.»

این اعلامیه نشان می‌دهد که ریاست‌جمهوری هنوز هم حاضر نیست طالبان را با همه جنایاتی که در قندوز انجام داده‌اند، تروریست بخواند و این ظلمی‌ست بزرگ که در حق مردم افغانستان از آدرس عالی‌ترین مقام کشور صورت می‌گیرد.

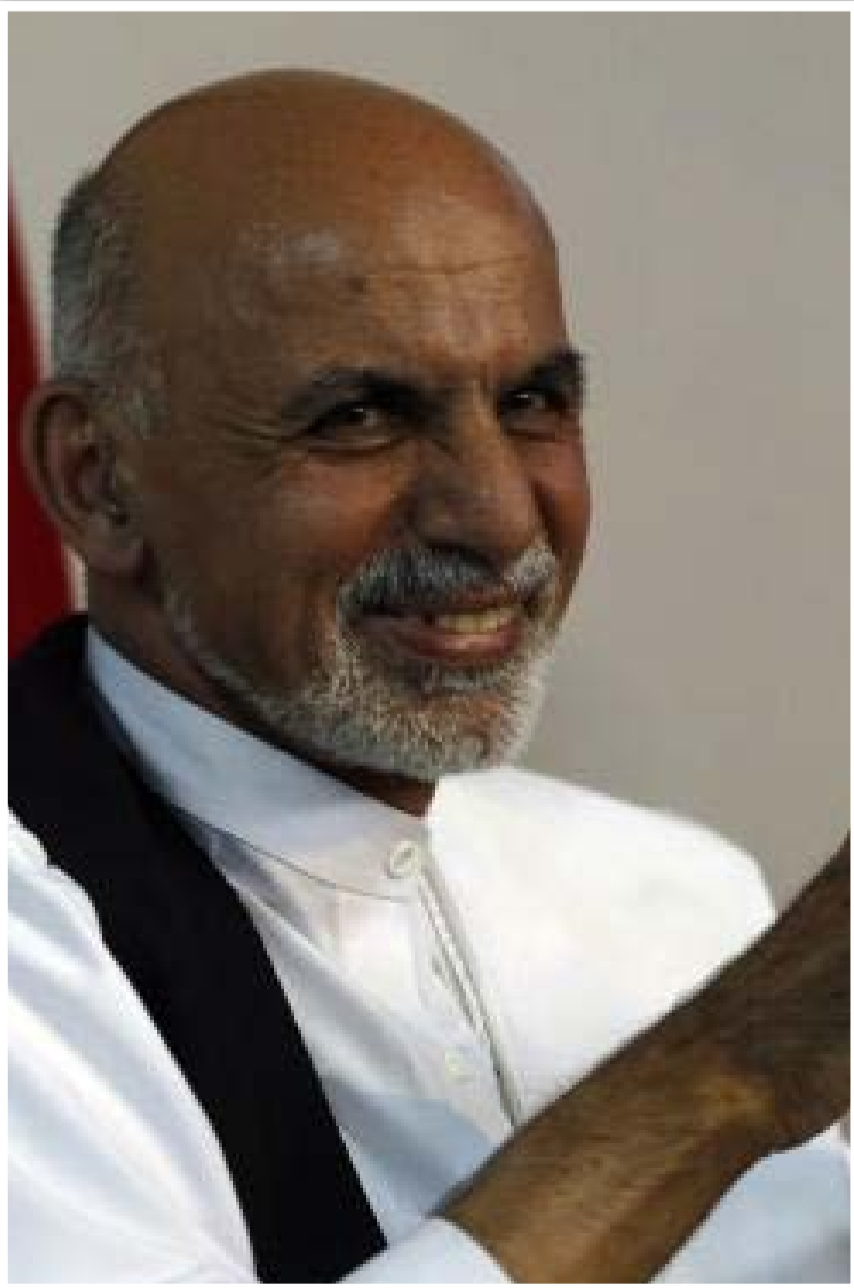
در همین اعلامیه آمده است که: طالبان بر نوامیس و عزت مردم تجاوز کردند، زندانیانی را از بند رها نمودند که اکثر آن‌ها به قتل و تجاوز به مال و عزت مردم محکوم بودند. آن‌ها به غارت اموال مردم و دارایی‌های دولتی دست زدند، تعدادی از ساختمان‌های دولتی از جمله رادیو و تلویزیون و نهادهای تعلیمی و تحصیلی را به آتش کشیدند و تجارت و دادوستد مردم ولایت کندز را شدیداً صدمه رسانیدند. همچنان آنان اموال و دارایی‌های دفاتر ملل متحد و سایر مؤسسات غیرحکومتی، فونسلگری‌ها و نماینده‌گی‌های کشورهای خارجی را به یغما بردند.

این اعمال همان‌گونه که سازمان عفو بین‌الملل در اعلامیه اخیر خود به آن اشاره کرده است، در جریان جنگ‌های مسلحانه و براساس قوانین بشردوستانه بین‌المللی، به عنوان «جرائم علیه بشریت» شناخته می‌شوند؛ اما سوال این است که: ارگ ریاست‌جمهوری به عوامل داخلی این جنایات‌ها چه‌گونه نگاه می‌کند و چرا آنان را تروریست نمی‌داند؟

ریاست‌جمهوری اعلام کرده است که عاملین این جنایات را مورد پیگرد قانونی قرار می‌دهد، به همین منظور کمیسیون ملکی‌بی را توظیف می‌کند تا خسارات ناشی از حضور طالبان در شهر کندز و جنایاتی را که آنان در این مدت مرتکب شده‌اند، بررسی نموده، میزان خسارات را تشخیص نماید و عاملین آن را شناسایی و به پنجه قانون بسپارد. اما در کنار این مسئله، سوال این است که حکومت با آنانی که این همه طالب داخلی و خارجی را طی روزها و هفته‌ها در خانه‌های‌شان پنهان کرده بودند و با آنانی که طالبان را خانه به خانه و کوچه به کوچه راهنمایی کرده‌اند، تا شهریان کندز را بکشند، چه‌گونه برخورد می‌کند. زیرا دو روز پیش، سخنگوی وزارت دفاع ملی گفته بود که به نیروهای امنیتی در کندز هدایت داده شده تا با طالبان خارجی برخورد کنند و طالبان داخلی را که افراد فریب‌خورده‌اند، فشار ندهند!

این سخنان وزارت دفاع ملی و تفکیکی که در اعلامیه ارگ نسبت به طالبان و تروریستان صورت گرفته است، نشان می‌دهد که ارگ ریاست‌جمهوری در تلاش حفظ جان آن طالبان داخلی‌بی است که در کندز جنایت کرده‌اند و این برای مردم افغانستان غیرقابل قبول می‌باشد.

مردم انتظار دارند که رییس جمهوری با حامیان درونی طالبان و طالبان قندوزی‌بی که در کشتار مردم و چپاول دارایی‌های هم‌ولایتی‌های‌شان بیشترین نقش را داشتند، برخورد جدی کند. اما برعکس، در اظهارات مقامات و اعلامیه ارگ، با یک پارادوکس کلان در مورد طالبان مواجه هستیم که بدگمانی‌ها نسبت به نیت ریاست‌جمهوری و تصمیم‌گیرنده‌گان حکومتی را دامن می‌زند.



چهارمین نشست بین‌المللی

«گفت‌وگوهای امنیتی هرات» برگزار شد



داوود مرادیان مسوول دفتر مطالعات استراتژیک افغانستان، هدف از برگزاری چهارمین نشست بین‌المللی امنیتی در هرات را اعتمادسازی و پیوند هرچه بیشتر کشورهای منطقه دانست و گفت که در این نشست تلاش می‌شود تا فرهنگ گفت‌وگو میان کشورهای منطقه تقویت شود.

این نشست سه روزه، با موضوع رکود تمدن اسلامی در قرن ۲۱ در قلعه شمیران هرات برگزار می‌شود. رییس مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان، ظهور گروه داعش و طالبان را بخشی از حقیقت رکود جهان اسلام دانست و گفت که در این نشست تلاش خواهد شد تا دلایل داخلی و بیرونی این بحران روشن شود.

در چهارمین نشست بین‌المللی گفت‌وگوهای امنیتی هرات، ۶۸ مقام و کارشناس از ۲۲ کشور و منطقه، به ویژه هندوستان، پاکستان، ایران، ترکیه، ایالات متحده آمریکا و همچنین ۷۰ مقام داخلی شرکت کرده‌اند.

آقای مرادیان می‌گوید که برخی از سران طالبان که قانون اساسی افغانستان را پذیرفته‌اند و شماری از مقام‌های پیشین سازمان جاسوسی (آی‌اس‌آی) پاکستان نیز در این نشست حضور دارند.

داوود مرادیان رییس مرکز مطالعات استراتژیک

عبدالله:

در کندز غفلت شده است



رییس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان با اشاره به حوادث اخیر در ولایت قندوز اعلام کرد که رویداد اخیر در این ولایت یک دستاورد برای مخالفان صلح بود اما نیروهای نظامی این کشور با حمایت مردم اوضاع را تحت کنترل درآوردند.

عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان در مورد حوادث اخیر قندوز اظهارداشت که در رویداد این ولایت غفلت شده و باید در مورد آن تحقیق شود.

وی افزود که دیدارها در مجمع عمومی سازمان ملل را ناتمام گذاشته و به دلیل رویداد ولایت قندوز به افغانستان بازخواهد گشت.

رییس اجرایی حکومت وحدت ملی گفت که در اوضاع حساس افغانستان باید در کنار هموطنان و نیروهای امنیتی این کشور باشد.

عبدالله تاکید کرد که همه مردم افغانستان از نیروهای اردو و پولیس ملی این کشور حمایت کنند.

وی تصریح کرد: جای شک نیست که رویداد اخیر قندوز برای مخالفان صلح یک دستاورد بود اما نیروهای نظامی با حمایت مردم اوضاع را تحت کنترل درآوردند.

رییس اجرایی حکومت وحدت ملی خاطرنشان کرد که از ۱۰ ماه قبل در ولایت قندوز مشکلات امنیتی وجود داشت اما توجه لازم به آن نشد.

او اظهارداشت که نیروهای امنیتی افغانستان دچار مشکلاتی هستند اما برای رفع آن تلاش می‌کند.

عبدالله در مورد شرکت هیأت افغانستان در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل نیز گفت که موضع کشورش را برای کشورهای جهان تشریح کرده است.

وی گفت که در حاشیه این نشست در مورد افغانستان، مشکلات امنیتی، مواد مخدر و حقوق زن نیز بررسی شد.

روابط میان پاکستان و افغانستان جست‌وجو خواهد شد. پس از رویداد انتحاری شاه شهید کابل و همچنین حمله بر یک مکتب نظامی در پشاور، هم مقام‌های افغانستان و هم دولت‌داران پاکستانی، یکدیگر را به همکاری و پشتیبانی از هراس‌افکنان متهم کردند. در پی این اتهامات، بلافاصله روابط میان دو کشور سرد شد و دو کشور همسایه از یکدیگر دور شدند.

افغانستان می‌گوید که در پایان نشست سه روزه «گفت‌وگوهای امنیتی هرات» قرار است که دور دوم گفت‌وگوها میان افغانستان و پاکستان آغاز شود. به گفته آقای مرادیان، این گفت‌وگوی دو جانبه میان هیأتی بلندرتبه از مقام‌های پیشین پاکستانی با برخی از مقام‌های دولت افغانستان صورت خواهد گرفت.

آقای مرادیان هدف این نشست دو جانبه را بهتر شدن روابط میان کابل - اسلام‌آباد دانست و گفت که در این نشست، روابط چند ماه اخیر دو کشور ارزیابی و راه‌حل‌های تحکیم

روسیه توانایی نیروهای امنیتی

افغانستان را زیر پرسش برد

ضمیر کابلوف مدیر اداره دوم آسیای وزارت امور خارجه روسیه روز جمعه اعلام کرد: تصرف شهر قندوز توسط طالبان نشان دهنده شکست طرح امریکا برای آموزش نیروهای افغانستان است.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک از مسکو، کابلوف در گفت‌وگو با ریانووستی اعلام کرد: «براساس گزارش نیویارک تایمز، فقط ۵۰۰ عضو طالبان در تصرف شهر مشارکت داشتند».

وی با اعلام این مطلب، گفت: «براساس آمار رسمی، تعداد کل نیروهای امنیتی افغانستان در ولایت هرات هزار نفر است. چگونه هفت هزار نفر از دست ۵۰۰ عضو طالبان فرار کردند؟»

این مقام روس افزود: «این البته نشان دهنده کیفیت آموزش آنها است».



کودک ۱۲ ساله‌یی که عزم رسیدن به آلمان دارد

به یکی از پسران خود چانس یافتن زندگی بهتر را می‌دهند. بسیاری از مردم می‌ترسند که طالبان پسران آنها را از پیش شان ببرند. باید دلوار باشی

از عتیق می‌پرسم که هیچ شده ترسیده باشی؟ این پسر خردسال با چهره مطمئن می‌گوید: «باید قوی باشی و باید مبارزه کنی». او می‌گوید وقتی اتفاق دشواری می‌افتد، نمی‌توان ترسید. او هنوز نصیحت پدرش را به گوش دارد که وقت خداحافظی به او گفت که باید مرد باشد. نصیر می‌گوید که عتیق نمی‌خواهد اقرار کند که چقدر سفرش دشوار بوده است. راه طولانی به ویژه از میان جنگل‌های بلغاریا دشوار است و سفر از طریق ایران نیز پیش از این سخت بوده است. نصیر می‌گوید: «ما یکبار در طول راه به والدین عتیق تلفون کردیم چرا که عتیق گفت دیگر نمی‌تواند ادامه دهد و می‌خواهد به افغانستان برگردد. اما والدین او گفتند نه، و به ما گفتند که او را با خود داشته باشیم و از او مراقبت کنیم».

مدرسانان در پارک یک خیمه برپا کرده‌اند که پناهجویان در آن می‌توانند سوپ و ساندویچ بخورند. این مسئله برای عتیق مثل یک جشن است. او می‌گوید: «غذای اینجا واقعا خوب است». عتیق می‌گوید که در طول سفر او فقط با آب و نان خشک زنده ماند. غذای مورد علاقه او پلو است. وقتی از قابلی پلو قصه می‌کند، چشمانش برق می‌زند. در بلغراد، گروهی از نوجوانان و جوانان افغان زیر یک خیمه که توسط یک موسسه امدادی برپا شده، استراحت می‌کنند. اما آنها در واقع برای سفر طولانی دیگر نیز آمادگی می‌گیرند. ناوقت شب آنها با یک بس به مرز کرواسیا خواهند رفت. نصیر هم خبر ندارد که آنها پیش از آن که به آلمان برسند باید حداقل از سه مرز دیگر بگذرند. اما آنها از ادامه سفر نگران نیستند؛ چون دشواری‌های سفر را پشت سر گذاشته‌اند.

همه آنها کوله بار خود را بیرون و داشته‌های خود را مرتب می‌کنند. عتیق یک «تی شرت»، یک جفت جوراب و کمی بسکویت دارد. او سرانجام جیب پایین بکس خود را باز می‌کند و یک جوهره گرمیج سفید را نشان می‌دهد.

عتیق یکی از هزاران نوجوان و کودک خردسال است که کوشش می‌کند از راه بالقان خود را به آلمان برساند. بسیاری از این کودکان را والدینشان از افغانستان فرستاده‌اند. باربارا وسل، خبرنگار دوپچه

وله از بلغراد گزارش می‌دهد. به گزارش دوپچه وله، ملاقات در یکی از پارک‌های نزدیک ایستگاه قطار بلغراد، پایتخت صربستان کار روزمره صدها پناهجو است. اینجا، نقطه توقف «راه بالقان» است. گروهی از نوجوانان و جوانان افغان مشغول توپ بازی روی چمن‌های پارک هستند. در میان آنها یک پسر کوچک با جمپر سرخ دیده می‌شود. او می‌خندد و سرخوشی می‌کند، طوری که گویا هیچ از دنیا خبر ندارد. عتیق پیش از آن که به صربستان برسد، سفر عجیبی را پشت سر گذرانده است. برخی از مردهای افغان او را در مسیر راه زیر پر و بال خود گرفتند و خوشبختانه او توانست با نصیر در مقدونیه آشنا شود؛ کسی که حالا همچون برادر بزرگتر از او مراقبت می‌کند.

عتیق می‌گوید: «خانواده ام در افغانستان است. آنجا هر روز جنگ جریان دارد و ما نمی‌توانیم به مکتب برویم». او در ادامه می‌افزاید: «والدین مرا فرستادند و حالا اینجام». عتیق چند ساله است؟ دوازده یا سیزده، خودش دقیق نمی‌داند. او یک کودک استخوانی است که قدش تا شانه من می‌رسد. همسفرش، نصیر توضیح می‌دهد که چطور این کودک خود را به اینجا رسانده است. نصیر می‌گوید: «او از افغانستان به پاکستان سفر کرد و از آنجا از مرز گذشت و به ایران رفت. از ایران به ترکیه و یونان و بعد پای پیاده از کوه‌ها گذشت تا خود را به بلغاریا برساند». نصیر همچنان می‌گوید که عتیق و دیگر همسفرانش در بلغاریا توسط پولیس مورد آزار و اذیت قرار گرفتند پیش از آن که خود را به بلغراد برسانند. این سفر طولانی ۶۰۰۰ کیلومتری از خاورمیانه با بس و پای پیاده انجام شده است.

نصیر خودش تقریباً بیست و چند ساله و از باشندگان کابل است اما خانواده عتیق خارج از پایتخت زندگی می‌کند. نصیر توضیح می‌دهد: «آنها دهقانان فقیری هستند که فقط یک توده زمین دارند، اما آنها بسیار اولاد دارند که باید برایشان غذا تهیه کنند. آنها حداقل

سقوط هواپیمای نظامی امریکا

در جلال‌آباد ۱۱ کشته بر جا گذاشت

گروه طالبان روز جمعه مدعی شد که یک هواپیمای ترانسپورتی نظامی از نوع «سی-۱۳۰» را در شرق افغانستان سقوط داده است. ناتو سقوط این هواپیما را تایید کرده و گفته است که در اثر آن ۱۱ تن به شمول شش سرباز امریکایی کشته شده‌اند.

ناتو مشخص نکرده است که دلیل سقوط این هواپیمای نظامی چه بوده است، اما حادثه در زمانی رخ می‌دهد که نیروهای امنیتی افغانستان با حمایت هوایی نیروهای ویژه ناتو و امریکایی در داخل شهر کندز در شمال افغانستان پیشروی کرده‌اند، شهری که روز دو شنبه زیر کنترل طالبان درآمده بود.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان در صفحه تویتر گفته است: «مجاهدین ما یک هواپیمای امریکایی چهار ماشینه را در جلال‌آباد سقوط داده‌اند... براساس معلومات موثق، ۱۵ تن از نیروهای متجاوز و شماری از نیروهای دست‌نشانده آنها کشته شدند».

طالبان به مبالغه کردن در اظهارات خود در صحنه‌های جنگی مشهور اند، و نیروهای ناتو در افغانستان تا حالا در مورد چگونگی سقوط این هواپیما جزئیات نداده‌اند.

بریان تربیوس، سخنگوی نیروهای امریکایی در افغانستان گفت که در نتیجه سقوط هواپیمای «سی-۱۳۰» در حوالی نیمه‌های شب جمعه، شش سرباز امریکایی و پنج قراردادی ملکی کشته شدند.

این قراردادی‌های ملکی برای مأموریت آموزشی و مشورتی ناتو در افغانستان موسوم به «حمایت قاطع» کار می‌کرده‌اند. جلال‌آباد در مسیر یک راه کلیدی میان کابل و مناطق مرزی پاکستان قرار دارد، جایی که شورشیان پناهگاه دارند. جلال‌آباد در گذشته چندین بار شاهد حملات شورشیان بوده است. این حادثه در میدان هوایی جلال‌آباد به وقوع پیوسته است و یک پایگاه بزرگ نظامی نیز در آنجا قرار دارد.

بخش نخست

آیا می‌توان در برابر زوالِ شناختی مقاومت کرد؟



آشیل وینبرگ
برگردان: محمد باغی
منبع: Sciences Humaines

مغز انسان مانند دیگر اعضای بدن، با افزایش سن پیر می‌شود. حافظه ضعیف می‌شود، توانایی‌های تمرکز و تیزهوشی کاهش می‌یابد. این زوال که بر اساس افراد و استعدادها خیلی متفاوت است، می‌تواند از راه‌های گوناگون به تأخیر بیفتد.

«بین ۲۰ تا ۶۰ ساله‌گی، شما ۴۰ درصد توانایی‌های هوشی‌تان را از دست می‌دهید. اگر به سن ۷۰ یا ۹۰ ساله‌گی برسید، با کاستی‌های شدیدتری مواجه خواهید شد.» Patrick Lemaire - «باتریک لومر»، مدیر گروه «انعطاف‌پذیری و پیری شناختی» در موسسه «س ان اس»، در سخنرانی خود و در پاسخ به گزاره فوق، با شفافیت وارد عمل شده و مداخله قاطع خود را آغاز کرد. روز مورد نظر، در مرکز تحلیل راهبردی» به عنوان روز مطالعه پیری شناختی برنامه‌ریزی شده بود و از متخصصین برای ارائه پژوهش‌های‌شان دعوت به عمل آمده بود [۱]. «پ لومر» در حالی که با لحنی متعادل با مخاطبینی بسیار جوان‌تر سخن می‌گفت، اعلام کرد: «اگر یک مسیر طولانی آموزشی را طی کرده باشید، زوال‌ها به حداقل خواهند رسید (...). از طریق یک زنده‌گی شغلی پُربار و سرزنده می‌توان آن‌ها را محدود کرد.» اما اضافه شدن عوامل تشدیدکننده و از جمله طلاق‌های مکرر، روند پیری شناختی را تسریع می‌بخشد: «سه بار طلاق گرفتن قبل از ۶۰ ساله‌گی، خطر زوالِ شناختی را ۵ برابر افزایش می‌دهد.»

پس از این ورود بی‌مقدمه در بحث، پ لومر در ابتدای سخن خود، با لبخند مداخله خود را تعدیل می‌کند: «ورود شما را در این بعد از ظهر که به پیری شناختی اختصاص داده شده، خوش آمد می‌گویم!»

وی در ادامه سخنرانی خود بر عناصر بنیادین چیزی که امروزه زوال شناختی دانسته می‌شود، انگشت تأکید می‌گذارد. اولاً: آری، زوال شناختی درمان ناشدنی است. نمی‌توان از پیری جلوگیری کرد، با بالا رفتن سن، بدن ضعیف می‌شود، همچنین مغز. توانایی‌های عملی رو به کاستی می‌نهند، توانایی‌های فکری نیز به همین ترتیب.

با این همه قبل از هر چیز باید بدانیم که زوال شناختی هم در رابطه با افراد، بسیار متفاوت است [۲] و هم بر اساس توانایی‌های مورد نظر متفاوت می‌شود: برای مثال حافظه بیشتر از زبان آسیب می‌بیند.

زوال از چه زمانی آغاز می‌شود؟

زوال شناختی از ۴۵ ساله‌گی شروع می‌شود، این نتیجه پژوهش منتشره در بهار سال ۲۰۱۲ است که سر و صدای زیادی به پا کرد. این پژوهش که به وسیله محققان «اینسرم» (Inserm) و «یونیورسیتی کالج» لندن صورت گرفته بود، ظاهراً آغاز زوال توانایی‌های شناختی را از میانه زنده‌گی نشان می‌داد. برای کسانی که فکر می‌کردند زوال شناختی دیرتر، یعنی پس از ۶۰ ساله‌گی، آغاز می‌شود، این خبر بدی بود. اما با این وجود می‌توان مسایل را به شکلی دیگر دید و به خود گفت که در مجموع، ۴۵ ساله‌گی سن خوبی است برای رسیدن به نقطه اوج هوشی است. اما در واقع، به هیچ عنوان این طور نیست. وقتی که از نزدیک به پژوهش نگریسته شود، مشخص می‌شود که ۴۵ ساله‌گی سن آغاز زوال شناختی نیست. محققان مطالعه خود را بر روی ۷۰۰۰ نفر (۵۱۹۸ مرد و ۲۱۹۲ زن) که بین ۴۵ تا ۷۰ سال سن داشتند، انجام دادند [۳]. بنابراین ۴۵ ساله‌گی، سن جوان‌ترین افراد مورد مطالعه می‌باشد! هیچ چیزی اجازه نمی‌دهد گفته شود که اگر سن حداقلی جمعیت مورد مطالعه پایین‌تر می‌بود، یعنی در حد ۳۵ یا ۳۰ سال، نمی‌توانستیم زوال را تخمین بزنیم. یکی دیگر از اطلاعات اصلی، نتیجه‌گیری‌های بسیار عجولانه را نسبی می‌کند: تفاوت‌های بسیار مهمی بین تغییرات متوالی توانایی‌های شناختی افراد با یکدیگر وجود دارد. حتا به نظر می‌رسد که همان نسبت جمعیت نمونه، در نتایج ده سال جوان‌تر نیز تحقق می‌یافت. بنابراین هنگامی که سخن از زوال شناختی به میان می‌آید، مهم این است که محتاط باشیم و مشخص کنیم که از چه چیزی سخن می‌گوییم.

در واقع، به همان ترتیب که پ لومر به درستی یادآوری می‌کند، «هنگامی که تغییرات نتایج شناختی در میان بیش از ۳۰۰۰ نفر، ۲۰ تا ۷۰ ساله که هر فرد در هر ۷ سال یکبار تست شده، مورد بررسی قرار گیرد، در گام اول مشخص می‌شود که تمامی فعالیت‌های شناختی با بالا رفتن سن دچار زوال می‌شوند.»

انسان بودن چه‌گونه چیزی است؟

گرنهت بارتلر

برگردان: الهام مظلومی

انسان بودن چه‌گونه چیزی است؟ البته شما از قبل پاسخ را می‌دانید، نوع زنده‌گی‌تان به شما نشان می‌دهد که انسان بودن چه‌گونه چیزی است. اما شما چه‌گونه توصیف خواهید کرد که آن نوع زنده‌گی چه‌گونه چیزی است؟ و تجربیات شما کدام حقایق کلی را درباره انسان آشکار می‌کند؟ ما چه چیزی خواهیم گفت درباره شرایط انسان اگر با پشتکار و مداومت آن را تجزیه و تحلیل کنیم؟... به اعتقاد من، ما نمی‌توانیم آن‌گونه که مایلیم بیندازیم، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

علم سیر کاملی از نظام‌های فرعی برای جست‌وجوی ماهیت انسان بودن را ترویج داده است، مانند: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، عصب‌شناسی و... با نشان دادن طیفی از موفقیت، و ما

تجربه انسان چیست؟ چه‌گونه می‌توانیم محتوای تجربه را توصیف کنیم؟ مطمئناً روان‌ها و انواع دیگر هنر، تجربیات زنده‌گی ما را منعکس می‌کنند، اما نه به شیوه‌ی نظام‌مند. معمولاً فلاسفه برای دست‌یابی به دانش حقیقتاً نظام‌مند تلاش می‌کنند. تلاش برای توصیف نظام‌مند تجربه را پدیدارشناسی (phenomenology) می‌گویند. پدیدارشناسی به عنوان یک طرح فلسفی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ - که بیشتر در قاره [اروپا] معروف شد - توسط برنانو (Brentano) و هوسرل (Husserl) آغاز شد. هنگامی که پدیدارشناسی با اخلاقیات و مابعدالطبیعه در هم آمیخت، به عنوان وجودگرایی (existentialism) شناخته شد. هایدگر (Heidegger) و سارتر (Sartre) از جمله بدنام‌ترین طرف‌داران آن روش شکست‌خورده برای توصیف چه‌گونه‌گی انسان هستند. متأسفانه به نظر نمی‌رسد که



هیچ‌گونه فهم وجودگرایانه مورد اجماعی از تجربه انسانی در کار باشد، بنابراین می‌توان گفت که تا به حال «دانش مطمئن» اندکی در توضیحات وجودگرایانه در کار بوده است و تنها تعداد زیادی عقاید بسیار غامض وجود دارد. وجودگرایی تا بدین‌جا شبیه یک اسپاگتی فلسفی بوده است.

در طرح ارسطو، پرسش درباره سرشت چیزی در هر مقطع داده شده از زمان (به این شکل که «از چه ساخته شده است») به منزله پرسش از «علت مادی» (material cause) است. به نظر من، این یک برچسب تأسف‌بار است، وقتی ما در جست‌وجوی یک ماهیت بلاواسطه از «تجربه» هستیم. ارسطو دو نوع دیگر از علل نیز طرح کرد؛ یکی از آن‌ها را «علت صوری» (formal cause) نامیده است. تبیین صوری از X به این پرسش پاسخ می‌دهد: «معنی واقعی [مفهوم یا کلمه] X چیست؟» می‌توانم بگویم که آن چیزی را تبیین می‌کند که ممکن است در یک

ممکن است به یک آینده کاملاً روشن امیدوار باشیم. اما حتا اگر علم قصد بیرون دادن یک نظریه جامع معتبر از قوانین حاکم بر رفتارهای انسان را داشته باشد، این امر نهایتاً تنها یک چهارم داستان انسان را خواهد گفت. به عبارت دیگر، علم می‌تواند فرایندهایی را توصیف و آزمایش کند که ما را به کس و چیزی که هستیم بدل می‌کند، اما به ما نمی‌گوید که زیستن چه‌گونه چیزی است. زیرا نه پرسش‌های صحیح می‌پرسد و نه می‌تواند بپرسد.

ارسطو بین چهار نوع علت تمایز قایل شده است و تبیین‌های علمی آن‌چه را که او «علل مؤثر» (efficient causes) نامیده است، توصیف می‌کنند. این سخن بدین معنی است که آن‌ها می‌توانند به ما راجع به این‌که چه‌گونه به آن‌چه که هم‌اکنون هستیم رسیده‌ایم و چه‌گونه فرایندهایی که ما را تولید کرده‌اند، به عمل ادامه می‌دهند. اما در این پرسش که زنده‌گی انسان چه‌گونه چیزی است، به جای آن می‌پرسیم: «ماهیت

تفسیر این کثیر دلیل گمراهی کسانی را که از خواهش‌های‌شان پیروی کردند در آیه «وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»، همان خروج از میانه‌روی و راه راست به سوی گمراهی و کجروی خوانده است. اهل کتاب که به گواهی قرآن کریم [توبه: ۳۰] پیامبران‌شان را فرزندان خدا می‌خواندند و حتا به مقام الوهیت عروج دادند، از قلمرو اعتدال گذشته‌اند و ربانیتی را که ابداع کرده‌اند [حدید: ۲۷] با اصل دین و اعتدال دینی سازگاری ندارد. از همین‌جاست که قرآن کریم آنان را به اعتدال و چنگ زدن دوباره به اصل دین، و عدم پیروی از اهل هواء فرامی‌خواند. پیامبر در موارد بسیاری از زیاده‌روی در دین و افراطیت هشدار داده است، چنان‌که در روایتی آمده است: «إِيَّاكُمْ وَالْعُلُوَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْعُلُوِّ فِي الدِّينِ مَبَادَا فِي دِينِ زِيَادَةِ رُؤْيِ كُنَيْدٍ، يَقِينًا كَسَانِيَّ كَه قَبْلَ از شما بودند، به سبب زیاده‌روی در دین هلاک شدند. به همین‌سان، وقتی یکی از نمازگزاران به پیامبر اکرم از این‌که حضرت معاذ نماز را طولانی

ادا می‌کند، شکایت کرد؛ پیامبر از این ناحیه خشمگین گردیده به معاذ این‌گونه خطاب کردند: «یا معاذ أفتان أنت؟» ای معاذ! آیا تو (با طولانی کردن نماز) ایجاد فتنه می‌کنی. آنچه پیامبر توبیخاً از حضرت معاذ می‌پرسد، نشان می‌دهد که زیاده‌روی در عبادت نیز پسندیده نیست و شدت لحن پیامبر بر مذمت هرچه بیشتر زیاده‌روی در دین اشاره دارد. از سویی هم، پیامبر به حق بدن، حق زوج و حق نفس توصیه می‌کند و از روزه داشتن همیشه‌گی، زنده‌داشتن تمام شب و ... نهی می‌کند. روایاتی از این دست در منابع حدیثی ما فراوان است که ما به چند مورد آن مختصراً اشاره کردیم.

تأمل‌انگیزتر این‌که، اسلام علی‌رغم هشدارهایی که در مورد افراطی‌گری داده است و نتایجی که تندروی دینی در قبال دارد، در پرتگاه افراطیت لغزیده است و عملاً گروه‌های افراطی بسیاری در دامان آن - بنا بر هر دلیلی که بوده است - پرورده شده‌اند. از افراط‌گرایان لیبرال تا تندروان دینی، همه و همه یک‌جانبه می‌تازند و میانه‌روی را به عنوان یک اصل کلی و فراگیر از یاد برده‌اند. افراط‌گرایی در چارچوب عقلانیت جمعی ما، نه تنها امری مذموم و ناپسندیدنی شمرده نمی‌شود، بلکه افزون بر آن، نوعی امتیاز و برتری نیز به حساب می‌آید. در جامعه‌ی ما که زیاده‌روی می‌کنیم، ذهنیت‌گرایی به افراطیت، یا به تعبیر دیگر همان افراط‌گرایی دینی - خواه در حوزه عمل باشد و

یا نظر - نوعی امتیاز و برتری دانسته می‌شود و اگر با نصوص و قرائت‌های درست از دین نیز معارض واقع شود، ترجیح می‌یابد. به باور نویسنده، رایج قرائت‌های سخت‌جان از دین و نوعی افراط‌گرایی در تفسیر و تأویل نصوص دینی، نه تنها امتیاز نیست که نادرست هم هست. نباید از دین چهرة غیرواقعی به نمایش بگذاریم و دین را به گونه‌ی بنماییم که با روحیه و صورت کلی آن سازگاری نداشته باشد. از آن‌جایی که تفسیرهای دینی بیشتر متکلم‌محورند، اندیشمندان دینی بایست در پی کشف مراد متکلم از نصوص باشند، نه این‌که پیش‌فرض‌های ذهنی خودشان را بر نصوص دینی بار نموده و دین را در حد باورهای خود تقلیل بخشند. تحمیل مقبولات پیشینی ذهنی بر دین و جست‌وجوی نمونه‌های مثبت آن‌ها - یعنی چیزهایی که از قبل مورد قبول واقع شده است - آسیبی است که اندیشه دینی را در زمان ما به چالش برده است و این رویکرد، هم توسط مسلمانان افراطی و هم توسط مسلمانان تفریطی به نمایش گذاشته می‌شود. اینان ابتدا مدعیات‌شان را تعیین می‌کنند و سپس برای توجیه دینی آن به دنبال

نصوص دینی می‌گردند. این نوع رویکرد به دین، همان تفسیر بالرای است که شماری از مفسران با جدیت بر آن تاخته‌اند و آن را به شدت نکوهیده‌اند. از سویی هم، رویکردهایی از این دست، خود نوعی تحریف نظری و عملی دین است و به‌دستان هر کسی رقم بخورد، نکوهیدنی است.

با این بیان، اساساً قرائت‌های افراطی از دین به حدی گمراه‌کننده است که تفسیرهای تفریطی از دین؛ و هیچ‌یک بر دیگری امتیاز ندارد. یکی دایره شمول حلال را در فقه وسعت می‌بخشد و دیگری اصل را بر حرمت می‌گذارد و تا دلیلی برای حرمت پیدا نکند، به حرمت فتوا می‌دهد. متأسفانه در جوامع اسلامی، به‌ویژه جامعه افغانستان، سخت‌گیری در دین نه تنها تفسیر نادرستی از دین دانسته نمی‌شود، بلکه نشانه اوج تقوا و پای‌بندی به دین نیز به‌شمار می‌آید. این در حالی‌ست که رایج هر نوع نظریه جدید و موسع دینی با شک و تردید همراه بوده و با حربه تکفیر و

قرآن کریم بر آن تصریح کرده است: كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا [۲:۱۴۳]

ترجمه: همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه‌ی قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛ تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است).

این آیه کریمه، وسطیت و میانه‌روی را به منزله موهبتی الهی می‌خواند که برای مسلمانان قرار داده شده است. از سویی هم، می‌توان با توجه به مطلق بودن آیه، مصادیق آن را وسعت بخشید و تبیین‌های گوناگونی از آن به دست داد و وسطیت را می‌توان در ابعاد مختلف آن در نظر گرفت، کما این‌که دین مقدس اسلام هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ محتوا، دینی میانه خوانده شده است.

دین مقدس اسلام چنان‌که تذکر رفت، به لحاظ محتوا نیز از اعتدال و جامعیت برخوردار است. اسلام

نوعی تجزیه و فرو کاستن دین در حد قسمتی از گزاره‌های آن، است. قرآن کریم توصیه به تسلیمی کامل در برابر احکام الهی می‌کند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ [بقره: ۲۰۸]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همه‌گی در اسلام به‌طور کافی درآید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست.

تفسیر طبری کلمه «کافه» را به معنای جمیع و به تمامی به‌کار برده است که مقتضای آن داخل شدن کامل در اسلام است. برخی مفسرین واژه «کافه» را حال برای «سلم»، و تعدادی هم آن را به ضمیر «ادخلوا» نسبت داده‌اند. به هر روی، هر یک از دو تفسیر فوق، دلالت بر داخل شدن کامل در اسلام داشته و نشان می‌دهد که به کل دین باید پای‌بند بود.

با این توضیح، هرگاه فقط بخش‌هایی از دین در نظر و عمل مورد توجه قرار گرفته، درحالی‌که ساحات دیگر آن فروگذشت شود، دقیقاً معنای آن تجزیه نظری و عملی دین، و نهایتاً عدم داخل شدن کلی در دین خواهد بود. دین، به‌ویژه دین مقدس اسلام مجموعه‌ی از یک نظام کلی، منسجم و اندام‌وار است که احکام آن ناظر بر کلیه ابعاد حیات انسان بوده و بایست به تمامی گزاره‌های آن در نظر و عمل توجه لازم صورت گیرد تا هدفی که دین برای آن آمده است، برآورده شود. اما هرگاه بخشی از دین بیشتر از سایر ابعاد آن مورد توجه قرار گیرد و ابعاد اساسی دین مهمل گذاشته شوند، این به معنای تجزیه دین بوده و با پای‌بندی به بخشی از دین نباید سعادت را چشم داشت که با عمل به کل دین میسر است.

یکی از نکاتی که جوامع اسلامی به آن گرفتارند، انتظارات کوچک و اندکی است که مردم از دین دارند. مردم انتظاری که از دین دارند، کوچک و روزمره است و دین را نیز در حد انتظارات خودشان تقلیل می‌بخشند؛ انگار دین فقط برای پاسخ دادن به پرسش‌های فقهی آنان آمده است و هیچ چیزی ماسوای آن را شامل نمی‌گردد. این در حالی‌ست که بخش کلانی از دین را اعتقادات و اخلاقیات دینی شکل می‌دهد که از آن همواره غفلت صورت گرفته است. شاید این رویکرد به دین به دو علت شکل گرفته باشد؛ یکی این‌که، اکثریت جوامع اسلامی را افراد و اشخاص کم‌سواد و بی‌سواد تشکیل می‌دهند و آنان قدرت هضم مسایل کلی‌تر و پیچیده‌تر اعتقادی و اخلاقی را ندارند. از سویی هم، آنان خودشان را با هیچ پرسشی در حوزه‌های دیگر دینی، مواجه نمی‌بینند، کما این‌که پرسش‌ها نیز برخاسته از آگاهی‌اند و در غیاب آگاهی پرسشی نیز وجود نخواهد داشت.

هم سوال از علم خیزد هم جواب همچنان‌که خار و گل از خاک و آب هم ضلال از علم خیزد هم هدا همچنان‌که تلخ و شیرین از ندا دوم این‌که، احکام فقهی عمدتاً ناظر بر امور تبدلی و تنظیم روابط فردی و اجتماعی‌اند و کارکرد ملموس این احکام باعث شده است تا اذهان و اراده‌های بیشتری به آن‌ها معطوف گردد و در نهایت، دین خودش را به صورت فقه و در لباس فقه نشان بدهد، اما سایر ساحت‌های دینی فروگذارد شوند.

اگر دین را شبیه انسانی دارای جوارح و اندام‌های مختلف بدانیم، هر نوع عدم توازن میان اعضای بدن وی زیان‌بار و ناسودمند خواهد بود. مثلاً رشد غیرطبیعی دستان کسی که سایر اندام‌های وی به‌صورت طبیعی رشد کرده‌اند، به هیچ‌وجه مفید نخواهد بود. بدین‌سان، کم‌رشدی برخی اعضا و رشد طبیعی برخی دیگر آن‌ها نیز توازن بدن را آسیب رسانده و بیشتر از آن‌که سودمند باشد، آسیب‌زا و معلول‌کننده است.

توجه به کلیت دین باعث می‌شود تا میانه‌روی دینی و واقعیت دینی به میدان آیند و رشد متوازن اندام‌های دین کمک می‌کند به ابعاد دیگر دین نیز توجه شود و همواره از یک دریچه به قضایا نگریسته نشود.

هم متضمن احکام اخلاقی و اعتقادی - برخلاف یهودیت - بوده و هم احکام عملی و کاربردی را - برخلاف مسیحیت - شامل می‌گردد و افزون بر این‌ها، طرح صدها مسأله علمی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و غیره... را می‌توان از شاخصه‌های این دین آسمانی دانست که متأسفانه ابعاد گوناگون این دین به‌صورت آن‌چنانی مورد توجه قرار نگرفته و به دین در کلیت آن پرداخته نشده است. نصوص دینی ما حاوی هزارها گزاره است که ساحت‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، احکام، موضوعات علمی و ... را در بر دارد و برای رشد متوازن آن، باید به تمامی این گزاره‌ها پرداخته شود، تا باشد کلیه اندام‌های دین به گونه موازی و سودمند رشد نموده و اثرات آن بر ابعاد گوناگون زنده‌گی مسلمان‌ها بازتابیده شود.

در این میان، واقعیت چیز دیگری است. از میان هزارها گزاره دینی که بر ابعاد گوناگون حیات انسان ارتباط می‌گیرد، فقط به گزاره‌های فقهی و عملی دین توجه لازم صورت گرفته است و سایر گزاره‌های دین مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. رشد نامتوازن اندام‌های دین و فریه شدن یکی از ساحت‌های آن به



بخش ششم
عبدالرشید فکرت بخشی، استاد دانشگاه کابل

تفسیق سرکوب می‌شود. شاید این امر ریشه در ساختار روان‌شناختی انسان‌ها نیز داشته باشد کما این‌که آدمیان در برابر نقض باورها، فرض‌ها و اندیشه‌های‌شان مقاومت نشان داده و به‌ساده‌گی از آن‌ها دست‌بردار نیستند.

خلاصه این‌که ذهنیت عمومی برای زرع تفکر تندروانه از دین مساعد است، در حالی‌که دروازه‌ها را بر روی روشن‌گری دینی بسته‌اند. مردم - شاید به دلیل این‌که میراث‌دار قرائت‌های سخت‌گیرانه‌اند و سده‌ها با آن خو گرفته‌اند - تفسیرهای سخت‌جان از دین را ساده‌انگارانه می‌پذیرند و در برابر هر تفکر جدی و جدید دینی - ولو موافق روحیه دین و مستند به نصوص دینی باشد - با قوت تمام می‌ایستند که خود پویایی جامعه را به ایست و افت برنخاستنی می‌کشد.

میانه‌روی در اسلام معطوف به فروعات و شاخه‌های دین نیست، بلکه تمامی ساحت‌های این دین را در بر دارد و اصلی از اصول دین به حساب می‌آید. وسطیت را باید در تمامی سطوح دین در نظر گرفت و میانه‌روی در اعتقاد، اخلاق، و... را از نظر دور نداشت. اعتدال و وسطیت یکی از میمیزات دین مقدس اسلام است که

فاجعه قندز و ضرورت تغییرات اساسی در مناسبات سیاسی

احمدولی مسعود، در برکه فیسبوکش نوشته است: فاجعه تراژیک قندز با نمایش تمام بربریت طالبانی و افتضاح خجالت آور حکومتی از هر منظری که دیده شود، ضرورت تغییرات اصولی را در مناسبات سیاسی افغانستان می‌طلبد.

او نوشته است: چگونه است که چند تا گروپ شکست خورده تروستی، نفرت انگیز، بی سر و سامان در کمال وحشت و بربریت، شهر بزرگی چون قندز و شهروندان را مورد غارت و چپاول و تجاوز و تخریب قرار میدهند. همه دم و دستگاه حکومتی را همراه با صدها میلیون دالر سرمایه گذاری ۱۴ ساله، طی یک روز روشن منهدم میسازند، زندگانی مردم را تباہ مینمایند، سپس برمیگردند به مواضع قبلی شان و به ریش همه میخندند؟ اینجاست که نفس وقوع این حادثه بیدار باشی می‌گردد برای همه نیروهای عدالتخواه تا به هر قیمت ممکن، تغییرات گسترده در ساختارهای دولت و مناسبات سیاسی، ایجاد توازن در قدرت بخصوص در چهار ارگان امنیتی و اصلاحات در رهبری و مدیریت و برنامه ها را در دست اجرا قرار دهند.

همچنان، حکومت مرکزی افتاده از افکار و اعتماد عامه و به تنهایی، بیش از این قطعاً نمی‌تواند از جان و مال و عزت مردم در ولایات و محلات حراست و دفاع نماید.

بنای مردمی ساختن مسوولین ولایات و توانمند نمودن محلات از مجاری قانون، از اولویت های ملی کشور می‌باشد. مودی که شهید مسعود به آن معتقد بود و بنده نیز قبل از برگزاری لویه جرگه قانون اساسی به خاطر اصرار زیاد، با آقای کرزی درگیر شدم.

احمدولی مسعود، نوشته است: آقای کرزی با سوء استفاده از حضور جامعه جهانی، نیروهای طالبانی را با تفکر قبیلوی و ساخت و ساز قومی، در جهت بقای قدرت خود حفظ و تقویت کرد و با این ترفند و با کمک شرکای قدرت، داعیه برحق و عدالتخواهانه جهاد و مقاومت را خاموش ساخت. اکنون اگر تلاش حکومت موجود ادامه همان سیاست های متعفن قرون وسطایی با توصل به فریبکاری، زور و بربریت طالبانی و آنهم در این عصر دموکراسی، اطلاعات، حق طلبی و هویت یابی باشد، افغانستان قطعاً به لبه سقوط رها می‌گردد و پارچه پارچه خواهد شد. حکومت موجود قطعاً باید از توهم و خیال پردازی موهومی که تا امروز جان هزاران انسان این سرزمین را به کام مرگ فرستاده است، دست بردار شود.

احمدولی مسعود، گفته است که حل معمای قدرت، جز با دیدگاه‌های شهید مسعود راهی ندارد؛ اگرخواستار تشکیل دولت مرکزی قوی هستیم، فقط از طریق قوت بخشیدن ولایات و توانمند ساختن محلات ممکن و مقدور است.»

آقای مسعود، نوشته است که دیدگاه مسعود شهید، درست معکوس آنچه است که در چهارده سال حکومت داری، آقای کرزی و آقای احمدزی به آن پرداخته اند.

کوشش رسانه‌یی صورت گرفت تا گفته شود که کلید حل نه به دست دولت افغانستان که به دست غرب است و روسیه باید روی امریکا بیشتر از دولت افغانستان حساب کند.

در بجهوحه این جریان‌ها، سخنرانی رؤسای جمهور روسیه و امریکا در اسامبله عمومی ملل متحد نیز مشحون از اعتراض بر یکدیگر بود که نشان می‌دهد در تنش بی‌سابقه قرار دارند. سران هر دو کشور با همدیگر ملاقات‌های دوجانبه داشتند که حتماً حادثه قندز در ذهن هر دو حضور تازه و عینی داشته و پیام‌های این حادثه میان دو طرف رد و بدل می‌شده است. در سخنرانی دکتور عبدالله هم موضوع قندز برجسته و بر رونق آن افزوده شد و این که سفر خود را به دلیل حادثه قندز برای برگشت به کشور ناتمام ماند، جنبه تبلیغاتی موضوع را برجسته و زنگ خطر را بلندتر به گوش پوتین نواخت.

بدون شک، پوتین به حدی زیرک است که پیام را خوب گرفته و با کوله‌باری از تشویش و دغدغه از نیویارک به کشورش برگشته است. به امید این که سران حکومت وحدت ملی هم پیام را گرفته و هضم کرده باشند. بدین ترتیب، ما هنوز قربانی جنگ سرد هستیم. حالا این رقابت درست در وقتی صورت می‌گیرد که دیگر «فاتح جنگ سرد» از خود نداریم، «مسعود» مدت‌ها قبل ترور شده است!

سازمان عفو بین‌الملل و ریاست جمهوری افغانستان:

طالبان در قندز دست به کشتار جمعی،

تجاوز گروهی و چپاول دارایی عامه زده اند

وی افزود: اوضاع مردم افغانستان به دلیل افزایش خشونت‌ها، افزایش تلفات غیرنظامیان و نقض مکرر حقوق بشردوستانه رو به وخامت است. ریاست جمهوری افغانستان نیز در اعلامیه‌یی گفته است که بررسی مقدماتی از شهر قندز نشان می‌دهد که طالبان و همکاران تروزیست‌شان بر علاوه این که رعب و ترس را در میان شهریان قندز ایجاد کردند، به کشتار غیر قضایی و خودسرانه افراد ملکی و نظامی و شهریان قندز و همچنان شکنجه، آزار و اذیت آنها دست زده اند.

در این خبرنامه آمده است: «طالبان بر نوامیس و عزت مردم تجاوز کردند، زندانیانی را از بند رها نمودند که اکثر آنها به قتل و تجاوز به مال و عزت مردم محکوم بودند. آنها به غارت اموال مردم و دارایی‌های دولتی دست زدند، تعداد از ساختمان‌های دولتی از جمله رادیو و تلویزیون و نهادهای تعلیمی و تحصیلی را به آتش کشیدند و تجارت و داد و ستد مردم ولایت قندز را شدیداً صدمه رسانیدند.»

براساس خبرنامه ارگ، همچنان آنان اموال و دارایی‌های دفاتر ملل متحد و سایر موسسات غیر حکومتی، قونسلگری‌ها و نماینده‌گی‌های کشورهای خارجی را به یغما بردند.

ریاست جمهوری گفته است که این اعمال همانگونه که سازمان عفو بین‌الملل در اعلامیه اخیر خود به آن اشاره کرده است، در جریان جنگ‌های مسلحانه و به اساس قوانین بشردوستانه بین المللی به عنوان جرایم علیه بشریت شناخته می‌شود.

براساس خبرنامه ارگ، حکومت جمهوری اسلامی افغانستان مصمم است که عاملین این جنایت را مورد پیگرد قانونی قرار دهد، به همین منظور کمیسیون ملکی را توظیف می‌کند تا خسارات ناشی از حضور طالبان در شهر قندز و جنایاتی را که آنان در این مدت مرتکب شده اند، بررسی نموده، میزان خسارات را تشخیص نماید و عاملین آن را شناسایی و به پنجه قانون بسپارد.

که قندز در کنترل دولت است.

در این حال وزارت داخله افغانستان اعلام کرد که هنوز درگیری‌ها میان ارتش و نیروهای امنیتی با طالبان در برخی از نقاط شهر قندز جریان دارد.

برخی منابع غیر رسمی گفته اند که طالبان از روز دوشنبه دست کم دو بار پس از عقب راندن، بار دیگر حملاتی را به قندز یا شهرهای دیگر این ولایت صورت داده اند.

آبا وجود اینکه مقام دولتی از عقب راندن طالبان از قندز خبر می‌دهند، اما شاهدان عینی در تماس تلفنی با بسته‌گان خود در کابل گفته اند که هنوز هم درگیری‌ها در بخش‌هایی از قندز جریان دارد و ارتش افغانستان به دنبال تسلط بر تمامی بخش‌های این شهر است.

بر اساس گفته‌های شاهدانی که با خویشاوندان خود ارتباط تلفنی برقرار کرده اند، عده‌یی از زخمی‌های غیرنظامی تا روز پنجشنبه هنوز در خانه‌های خود مخفی شده بودند و از ترس طالبان، از خانه بیرون نمی‌آمدند.

سازمان ملل با نگرش حمله به شهر قندز گفته است که حمله به غیر نظامیان و تسهیلات غیرنظامیان نقض آشکار حقوق بین المللی بشر است.

در همین حال کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن ابراز نگرانی از کمبود تجهیزات پزشکی در قندوز از طرفین جنگ خواست تا امنیت شهروندان را به خطر نینداخته و راه را برای ارائه کمک‌های انسان دوستانه باز نگه دارند.

در حالی که درگیری‌ها در قندوز و دیگر ولایت‌های شمال کشور همچنان ادامه دارد، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با انتشار بیانیه‌یی در سایت خود از وضعیت غیرنظامیان و کمبود تجهیزات پزشکی در بیمارستان‌های این شهر ابراز نگرانی کرد.

جنرال نیکلامارتی رییس کمیته صلیب سرخ، گفت: در حال حاضر اولویت اصلی ما تامین امنیت شهروندان افغانستانی و نیز تهیه تجهیزات پزشکی ضروری برای بیمارستان‌های قندوز است.

سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی اعلام کرد که کشتار دسته جمعی، تجاوز گروهی و جست‌وجوی خانه به خانه طالبان در جریان حمله به شهر قندز، باعث ایجاد ترس و وحشت در میان مردم این شهر شده است.

سازمان عفو بین الملل در گزارش خود که روز جمعه منتشر شد، با شماری از افرادی که موفق شده اند در آغاز حمله به قندز از این شهر فرار کنند، گفت‌وگو کرده است.

بر اساس این گزارش، آماری دلخراش به دست این سازمان رسیده که حاکی از حاکمیت وحشت و ترور در قندز، پس از حمله طالبان به این شهر و تصرف آن، حکایت دارد.

عفو بین الملل از گزارش‌های موثق کشتار و به کارگیری روش‌های ایجاد ترس در برابر غیرنظامیان خبر داده و نوشته است: مقام‌های دولت افغانستان باید هرچه زودتر برای حفظ جان غیرنظامیان در مناطقی که جنگ قریب الوقوع به نظر می‌رسد، دست به کار شوند.

دامنیک میدلی، سخنگوی سازمان ملل در افغانستان نیز با انتشار اطلاعیه‌یی اعلام کرده است: «بان کی مون دبیرکل این سازمان، حمله روز دوشنبه طالبان به شهر قندز را محکوم می‌کند و حمله به غیرنظامیان و تأسیسات غیر نظامی، نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی است.»

گروه طالبان بامداد دوشنبه از چهار طرف به شهر قندز حمله کرد و در مدت کم تر از یک روز توانست کنترل اغلب نقاط این شهر و مناطقی از اطراف آن را تصرف کند.

شاهدان گفته اند که پس از ورود طالبان به شهر قندز، شاهد آتش زدن ساختمان‌های دولتی در این شهر و غارت مغازه‌ها و اموال مردم و کشتن ده‌تن بوده اند. محمد اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان، روز سه شنبه یک روز پس از گذشت حمله طالبان به شهر قندز همراه با وزیران داخله و دفاع در یک نشست خبری در کاخ ریاست جمهوری به خبرنگاران گفت

اببعاد بین‌المللی سقوط قندز

عبدالاحد هادف

روسیه از موقف خصمانه‌اش در برابر ناتو و امریکا پایین نیامد. در اوکراین و مناطق دیگر به تنش ادامه داد. تحریم‌های غرب به انعطاف‌پذیری روسیه کمک نکرد. آماده‌گی‌های نظامی این کشور هم شتاب چشمگیر گرفته است. روابطش با کشورهای حریف امریکا مثل چین و ایران رو به گسترش است. در این اواخر روسیه به جای انعطاف‌پذیری در برابر امریکا و ناتو، موقف تهاجمی بیشتری اتخاذ کرد. مساله سوریه را جدی گرفت و برای همکاری نظامی با سوریه حتا در حد اعزام نیروهای رزمی آماده‌گی نشان داد. این اقدام روسیه در نظر غرب نه تنها یک آزمون خطرناک که یک عبور وحشتناک از خط سرخ بود. این اقدامات در یک دلالت خود، اعلان جنگ با قدرت‌های مخالف بشارالاسد به حساب آمد که قابل تحمل برای غرب بوده نمی‌تواند. اگر این زنگ خطری برای آغاز جنگ گرم نباشد، قطعاً گرم شدن جنگ سرد را نشان می‌دهد. امریکا و غرب دست به واکنش بردند و پیام‌های گرم و سرد به روسیه دادند که تندترین این پیام از طریق حادثه قندز بود. جنگ قندز درست در وقتی به وقوع پیوست که



ریشته است، مرزهای جنوبی و حوزه نفوذت در آسیای میانه به شدت آسیب‌پذیر است. اعتماد به دولت افغانستان به عنوان حافظ این مرزها هم بی‌جاست. هر وقت خواسته باشیم، داعش و طالبان را به آسیای میانه سوق می‌دهیم و در یک شب یک ولایت را به دست گروه‌های تندور سپرده می‌توانیم که تا رسیدن به مرزهای مسکو یک‌شبه ره صدساله خواهند رفت.

برخلاف معمول در برجسته‌سازی آغاز حملات هوایی ناتو بر مواضع طالبان در قندز، زیاد

اسامبله عمومی ملل متحد در حال تدویر بود و سران کشورها به شمول روسیه و افغانستان در نیویارک حضور داشتند و طبق معمول می‌بایست با مقامات امریکا و غرب دیدار نمایند. سقوط قندز در واقع پیامی روشن و تکان‌دهنده به روسیه است. این سقوط تصادفی و یا به همت طالبان صورت نگرفت و نمی‌توانست بگیرد، به اساس تدبیر و تصمیم بالاتر از حدود درک و صلاحیت طالبان و دولت افغانستان به میان آمد. به روسیه پیام داده شد که خطر در زیر



محرومیت نیمار از همراهی

برزیلی‌ها پابرجا ماند



دادگاه دآوری در ورزش اعتراض کنفدراسیون فوتبال برزیل برای لغو محرومیت کاپیتان تیم ملی این کشور را نپذیرفت. فرجام‌خواهی کنفدراسیون فوتبال برزیل برای لغو محرومیت نیمار از همراهی سلسائو در بازی برابر تیم‌های ملی شیلی و ونزوئلا در دو دیدار نخست انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه در آمریکای جنوبی بی‌نتیجه ماند. دادگاه دآوری در ورزش (CAS) اعتراض کنفدراسیون فوتبال برزیل برای لغو محرومیت نیمار به خاطر جنجالی که در بازی تیم‌های برزیل و کلمبیا در مرحله گروهی کوپا آمریکا سال ۲۰۱۵ به وجود آورد (درگیری با بازیکنان کلمبیا و اهانت به داور در تونل ورزشگاه) را نپذیرفته است. با حذف زود هنگام سلسائو از کوپا آمریکا دو جلسه از محرومیت چهار جلسه‌ای نیمار باقی ماند که در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ اعمال خواهد شد. مسئولان تیم ملی برزیل تأکید داشتند که دو جلسه باقیمانده از محرومیت نیمار باید در ادوار بعدی کوپا آمریکا اعمال شود، اما فیفا محرومیت حضور مهاجم بارسلونا را به بازی‌های برزیل برابر تیم‌های ملی شیلی و ونزوئلا منتقل کرد و حالا CAS نیز این حکم را تأیید کرده است.

دل بوسکه مهاجم چلسی را به تیم ملی دعوت نکرد

ویسته دل بوسکه سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا از دیه گو کاستا مهاجم جنجالی چلسی برای دو دیدار انتخابی جام ملت‌های اروپا به اردوی تیم ملی دعوت نکرد. به گزارش خبرگزاری رویترز از مادرید، کاستا به سبب محرومیت نمی‌توانست در دیدار برابر لوکزامبورگ که شنبه ۱۸ میزان برگزار می‌شود بازی کند اما امکان حضور او در بازی بعدی مقابل اوکراین وجود داشت. با این حال دل بوسکه ترجیح داد وی را به اردو دعوت نکند و به جای او نام آلوارو موراتا مهاجم یونتوس را در فهرست ۲۳ نفره اسپانیا قرار داد. تیاگو آلکانترارا هافبک تیم بایرن مونیخ آلمان هم که مدتی غیبت به سبب آسیب دیدگی زانو از تیم ملی دور بود و آخرین بازی خود را مارچ ۲۰۱۴ در مسابقه دوستانه برابر ایتالیا انجام داده بود اکنون در پی آسیب دیدگی آندرس اینیستا و کوکه به تیم ملی دعوت شده است. اسپانیا در صورت پیروزی برابر لوکزامبورگ صعود خود را به مرحله پایانی یورو ۲۰۱۶ قطعی خواهد کرد. شاگردان دل بوسکه هم اکنون با ۲۱ امتیاز از هشت بازی و دو امتیاز اختلاف نسبت به اسلواکی در صدر جدول گروه سه انتخابی جام ملت‌های اروپا قرار دارد.



۴۰ درصد گل‌های رئال مادرید متعلق به رونالدوست



در آن زمان ۳۳ ساله خواهد شد. باشگاه رئال مادرید به احتمال فراوان در تابستان سال آینده قرارداد این بازیکن را تمدید کند، چون تیم‌های منچستریونایتد و پاری سن ژرمن خواهان او هستند و پس از رکوردشکنی رونالدو به او تریک گفتند. کریستیانو بعد از دیدار با مالمو در لیگ قهرمانان که به این رکورد رسید، گفت: من در مادرید خوشحال هستم اما چه کسی می‌داند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

از سال ۲۰۰۹، ۴۰ درصد گل‌های رئال مادرید توسط کریستیانو به ثمر رسیده است. به نوشته آس، آماری وجود دارد که نشان دهنده اهمیت کریستیانو رونالدو از سال ورودش به رئال مادرید است. سال ۲۰۰۹ مهاجم پرتغالی از منچستر یونایتد به رئال مادرید پیوست و از آن زمان تیم اسپانیایی ۷۹۴ گل زده که سهم رونالدو از این تعداد ۳۲۳ گل است. به تدریج کریستیانو از کناره‌های زمین به سمت مرکز آمد و از ۱۰ گلی که در این فصل برای تیم خود به ثمر رسانده هشت گل را از این منطقه زده است. بازیکن پرتغالی گل‌های خود را با پای راست، چپ، ضربه سر و حتی دست به ثمر رساند که ۲۲۰ دو گل با پای راست، ۵۵ گل چپ و ۴۷ بار با ضربه سر دروازه حریفان خود را باز کرده است، حتی او یک بار با دست به اتلتیکو مادرید گل زد که آن گل توسط داور پذیرفته شد! رونالدو ۶۰ بار از روی نقطه پنالتی موفق به گلزنی شده و تنها ۷ ضربه را از دست داده است. رکورد سیاه این بازیکن به ضربه‌های کاشته بر می‌گردد. او از ۸۲ فرصت گلزنی فقط ۲۵ ضربه را درون دروازه حریفان جای داده است. کریستیانو در هفتمین فصل حضورش در رئال مادرید به رکورد تاریخی رائلو گونسالس رسید. او تنها به ۳۰۸ بازی نیاز داشت تا بتواند ۳۲۳ گل به ثمر برساند. آنجولوتی درباره مهاجم پرتغالی گفت: حضور چنین بازیکنی در یک تیم مانند این است که از آغاز تمام بازی‌ها ۱ بر صفر از تیم حریف پیش افتاده باشی. زمانی که رائلو سیصد و هشتمین بازی خود را برای رئال مادرید انجام داد تنها ۱۴۲ گل به ثمر رسانده بود و دی استفانو رکورد ۲۵۵ گل را در این تعداد بازی بر جای گذاشت. گل زنان رئال مادرید مهاجم پرتغالی ۳۰ سال سن دارد و قراردادش در ۲۰۱۸ به پایان می‌رسد که

سرنوشت مبهم توپ طلای ۲۰۱۵



به نظر می‌رسد رکوردشکنی و بازی‌های خوب اخیر کریستیانو رونالدو سرنوشت توپ طلای ۲۰۱۵ را تغییر دهد. به گزارش اکسپرس، کریستیانو رونالدو در دو سال گذشته توانست به عنوان بهترین بازیکن فوتبال جهان انتخاب شود تا خودش را به صورت کامل از زیر سایه لیونل مسی خارج کند. البته رسیدن رونالدو به سومین توپ طلا در همان ابتدا کار سخت و دشواری بود. هر چند که او توانست عنوان «آقای گلی لیگا» (پی جی پی) را کسب کند، ولی نتوانست تیمش را به هیچ عنوان قهرمانی برساند. در واقع رئال مادرید در فصل دوم آنجولوتی حتی یک جام هم

رقیبی همچون رونالدو دارد که هر هفته با رکوردشکنی و زدن گل شانس خودش را برای کسب توپ فوتبال جهان بیشتر می‌کند. رونالدو اخیرا توانست با دو گلی که برابر مالمو به ثمر رساند در کنار رائلو برترین گلزن تاریخ رئال شود و تعداد گل‌های حرفه‌ای‌اش را به عدد ۵۰۱ برساند. در حالی که رائلو به بیش از ۷۰۰ بازی برای رسیدن به ۳۲۳ گل برای رئال مادرید زمان نیاز داشت رونالدو در تنها ۳۰۸ بازی توانست ۳۲۳ گل به ثمر برساند. همچنین با دو گلی که او برابر مالمو به ثمر رساند فاصله‌اش را با مسی در صدر جدول گلزنان تاریخ لیگ قهرمانان زیاد کرد. برای کسب توپ طلای فوتبال همچنان یک نظریه ثابت وجود ندارد. خیلی‌ها درخشش فردی را برای کسب ارزشمندترین جایزه فردی فوتبال جهان کافی می‌دانند و یک عده نیز موفقیت تیمی را ملاک انتخاب بازیکنی به عنوان بهترین بازیکن جهان می‌دانند. در سال‌های گذشته نیز شاهد این بودیم که انتخابات بین این دو نظریه متفاوت باشد. برای مثال اینتر در یک سال سه گانه را کسب کرد، ولی مسی به عنوان بهترین بازیکن انتخاب شد. سالی هم که رئال مادرید با سه گانه فوتبال جهان فصل خوبی را به پایان رساند، رونالدو به عنوان بهترین بازیکن انتخاب شد. مراسم انتخاب بهترین بازیکن فوتبال جهان یازدهم ژانویه در نیون سوئیس برگزار خواهد شد و به احتمال زیاد مسی و رونالدو و نیمار سه نامزد نهایی «مرد سال فوتبال جهان» هستند. *پرافتخارترین تیم‌های باشگاهی در کسب توپ طلا:

- ۱-بارسا با ۱۰ توپ طلا (مسی ۴، کرویف ۲، استویچکوف ۱، ریوالدو ۱، رونالدینیو ۱، لویس سوارس اسپانیایی ۱)
- ۲-رئال مادرید با ۸ توپ طلا (ک.رونالدو ۲، دی استفانو ۳، فیگو ۱، کاناوارو ۱، رونالدو نازاریو ۱، رایموند کوپا فرانسوی ۱)
- ۳-یونتوس با ۸ توپ طلا (میشل پلاتینی ۳، عمر سیوری ۱، پائولو روسی ۱، باجو ۱، زیدان ۱، ندود ۱)
- ۴-میلان با ۸ توپ طلا (فان باستن ۳، گولیت ۱، جرج وه‌آ ۱، ریورا ۱، شوچنکو ۱، کاکا ۱)
- ۵-بایرن مونیخ با ۵ توپ طلا (بکن بوئر ۲، رومینیگه ۲، گرد مولر ۱)
- ۶-منچستریونایتد با ۴ توپ طلا (دنيس لاو ۱، بای چارلتون ۱، جرج بست ۱، ک. رونالدو ۱)
- ۷-اینترمیلان با ۲ توپ طلا (لوتار ماتئوس ۱، رونالدو نازاریو ۱)
- ۸-هامبورگ با ۲ توپ طلا (کوین کیگان ۲)
- ۹-دینامو کیف اوکراین با ۲ توپ طلا (بلوخین ۱، بلانوف ۱) این باشگاه‌ها یک توپ طلا در تاریخ خود کسب کرده‌اند: لیورپول (مایکل اوون) بنفیکا (اوزه بیو) آژاکس (کرویف) دورتموند (ماتیاس سامر) ماریسی (ژان پییر پاپین) مونشن گلاادباخ (آلن سیمونسن) بلک پول انگلیس (استنلی ماتئوس) دوکلاپراگ چک (جوزف ماسوپوست) دینامو مسکو (لئو یاشین) فرانس واروش مجارستان (فلوریان آلبرت)

تاکید رهبران اروپا بر اقدام

هماهنگ علیه بحران انسانی بی‌سابقه در جهان



چند تن از رهبران اروپا از طریق تریبون نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل به بحث درخصوص اینکه جهان دوران ناآرامی را به ویژه با توجه به بحران‌های انسانی نظیر بحران آوارگان و مهاجران سپری می‌کند، پرداختند. به گزارش پایگاه سازمان ملل، «فرانک والتر اشتاینمایر» وزیر امور خارجه آلمان اظهار کرد: در حال حاضر توازن قدیمی قدرت در جهان با فشار برای تغییر روبه‌رو است. بازیگران جدید و قدرتمندی در عرصه جهانی ظهور پیدا کرده‌اند.

اشتاینمایر عنوان کرد که بیش از هر چیز عوامل غیردولتی مسوول جنگ و خشونت در جهان هستند که هیچ قانونی برای آنها وجود ندارد.

وی اظهار کرد: جهان امروز بیش از هر زمان ارتباطات متقابل و نزدیک دارد و مرزهای کشورها کمرنگ‌تر شده‌اند و به این ترتیب همه کشورها همسایه هم محسوب می‌شوند.

وی با اشاره به بحران آوارگان گفت: امروز هیچ‌کس همچون میلیون‌ها زن، مرد و کودکی که از خانه‌هایشان فرار کرده‌اند به روح همسایگی خوب میان کشورها امیدوار نیست.

در همین حال وی از کشورهای جهان خواست تا برای توقف کشتارها در سوریه تلاش کنند. وی تاکید کرد: بگذارید من بار دیگر تاکید کنم که همه ما در تعامل با فاجعه انسانی وحشتناکی همچون سوریه همسایه هم هستیم.

پس از اشتاینمایر، «سیاستین کورتز»، وزیر امور خارجه اتریش خواهان رویکرد فراگیر در قبال بحران مهاجران و آوارگان شد. وی اظهار کرد: باید تلاش‌ها صرف مقابله با دلایل ریشه‌ای بحران آوارگان به ویژه تروریسم و جنگ داخلی در کشورهای اصلی شود.

وی مدعی شد رهبران سیاسی فعلی سوریه نمی‌توانند بخشی از راه‌حل بلندمدت این کشور باشند چراکه ما برای برقراری صلح تنها با دوستان نباید گفت‌وگو کنیم.

این مقام ارشد اتریش همچنین تصریح کرد: درگیری اوکراین - روسیه چالشی برای صلح اروپاست و کشور وی حامی راه‌حل صلح‌آمیز براساس مذاکره است که اجازه دهد اوکراین کشوری آزاد و باثبات بوده و از روابط قدرتمند با اروپا و روسیه بهره ببرند.

از سوی دیگر «چارلز فلاناگان»، وزیر امور خارجه ایرلند نیز اظهار کرد: کشور وی همواره مدافع آسیب‌پذیران است و احساس مسوولیت قدرتمندی برای

مرکل:

با کمک روسیه می‌توان به جنگ سوریه پایان داد



مرکل اعلام کرد که پایان دادن به جنگ داخلی در سوریه تنها با مشارکت روسیه امکان‌پذیر است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان درخصوص بحران مهاجرت گفت که لازم است به این مساله که منجر به فرار مردم از خانه‌های خود شده است، رسیدگی شود. صدراعظم آلمان گفت: این مساله دقیقاً درخصوص سوریه درست است، جایی که ما سال‌ها آن را می‌شناسیم و تنها یک راه‌حل برای آن با حضور روسیه و نه بدون روسیه وجود دارد. این در حالی است که آمریکا در این خصوص نظر متفاوتی دارد و کاخ سفید اعلام کرده که اقدامات نظامی روسیه در سوریه خطر طولانی شدن جنگ در این کشور را افزایش می‌دهد.

فرمانده گروه هوایماهای جنگی روسیه اعلام کرد که این هوایماها در دومین روز از حملات اردوگاهی که توسط تروریست‌ها ایجاد شده و در آن تروریست‌ها توسط سازمان سیا آموزش می‌بینند را هدف قرار داده است.

حمله هوایی هوایماهای روسیه «به دوازده موضع داعش در سوریه»

فرانسه، روسیه و اوکراین دیروز جمعه، برای بررسی وضعیت اوکراین در نشست در پاریس شرکت می‌کنند اما انتظار می‌رود حملات هوایی روسیه در سوریه این نشست را تحت‌الشعاع قرار دهد.

به جز روسیه، فرانسه و ائتلاف به رهبری آمریکا در سوریه حملات هوایی انجام می‌دهند اما هیچیک از این کشورها تاکنون نیروی زمینی وارد عمل نکرده‌اند.

اما در همین حال گزارش‌های تایید نشده حاکیست که ده روز پیش شماری از نیروهای ایرانی برای عملیات زمینی در شمال سوریه که در کنترل داعش است، وارد این کشور شده‌اند.

بر اساس این گزارش‌ها که به نقل از منابع لبنانی منتشر شده و منابع مستقل هنوز آن را تایید نکرده اند، نیروهای ایرانی در کنار حزب الله لبنان آماده می‌شوند تا همراه با ارتش سوریه حمله به مواضع داعش را آغاز کنند.

این منابع می‌گویند حملات هوایی روسیه پوشش هوایی این عملیات زمینی را فراهم می‌کند، عملیاتی که هدف آن پس گرفتن مناطقی است که داعش از کنترل دولت بشار اسد رییس جمهور سوریه خارج کرده است.



انتقاد کرده‌اند.

هوایماهای روسیه از دو روز پیش حملات هوایی در برخی نقاط سوریه را آغاز کرده‌اند که به گفته رییس کمیته روابط خارجی دومای روسیه سه تا چهار ماه ادامه خواهد داشت.

دولت روسیه هدف عملیات را انهدام مواضع داعش اعلام کرده اما مقامات آمریکایی می‌گویند به نظر می‌رسد این حملات بدون هدفگیری صورت می‌گیرد و به تضعیف بنیه نظامی داعش کمک چندانی نمی‌کند.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و فرانسوا اولاند، ولادیمیر پوتین و پترو پورشنکو، روسای جمهوری

سوریه در ولایت رقه، را کاملاً به کنترل خود در آورد.

وزارت دفاع روسیه همچنین اعلام کرد در پایگاه هوایی لاذقیه، مقر اصلی نیروی هوایی روسیه در سوریه، حدود پنجاه هوایما و هلی‌کوپتر مستقر هستند از جمله دوازده سوخوی SM۲۵ (پشتیبانی هوایی)، دو سوخوی M۲۴ برای حمله هوایی در تمام شرایط جوی، شش سوخوی ۳۴ جنگنده - بمب‌افکن، و شش سوخوی Su-۳۰ چندمنظوره.

رسانه‌های غربی دیروز خبر از وجود تجهیزات جنگ الکترونیک در آسمان لاذقیه خبر داده‌اند و از به کار گیری چنین تجهیزاتی در یک منطقه جنگی

وزارت دفاع روسیه می‌گوید هوایماهای جنگی این کشور مراکز فرماندهی و اردوگاه‌های آموزشی نیروهای گروه داعش را در سوریه هدف قرار داده‌اند. به گفته یکی از سخنگویان وزارت دفاع روسیه این حملات که دیشب انجام گرفته، زیرساخت‌های داعش در این مناطق برای «آماده‌سازی تروریست‌ها» را کاملاً منهدم کرده است.

در بیانیه وزارت دفاع روسیه آمده که هوایماهای جنگی این کشور ۱۸ سورتی پرواز در سوریه انجام داده و ۱۲ هدف را بمباران کرده‌اند، از جمله یک پست فرماندهی و یک مرکز مخابراتی در استان حلب، یک اردوگاه منطقه‌ای در ادلب و یک پست فرماندهی در استان حما کاملاً منهدم شده‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه، یک سازمان مستقل که مقر آن در لندن است دیروز اعلام کرد در حملات هوایی دیشب هوایماهای روس به یکی از مهمترین مواضع داعش در سوریه، که در حاشیه غربی شهر رقه و در نزدیکی فرودگاه نظامی الطبقه قرار دارد، دوازده نفر از افراد گروه داعش کشته شده‌اند و اجساد آنها به بیمارستان محلی منتقل شده است.

گروه داعش سال گذشته پس از یک رشته درگیری با ارتش سوریه، فرودگاه الطبقه، آخرین پایگاه ارتش